



<p>رشته: ..... ترم: اول سال تحصیلی: ۱۳۹۹ - ۱۳۹۰</p> <p>نام و نام خانوادگی مدرس: <b>فاطمه محمدی</b></p> <p>ایمیل مدرس: <a href="mailto:f.mohammadi2rv@yahoo.com">f.mohammadi2rv@yahoo.com</a></p>	<p>مقطع تحصیلی: <input checked="" type="checkbox"/> کارشناسی <input type="checkbox"/></p> <p>نام درس: <b>اخلاق حرفه ای</b></p> <p>تلفن همراه مدرس ۰۹۱۲۲۳۷۴۷۱۱</p>
<p>جزوه درس: <b>اخلاق حرفه ای</b> مربوط به هفته : اول <input checked="" type="checkbox"/> دوم <input type="checkbox"/> سوم <input type="checkbox"/></p> <p>text: دارد <input checked="" type="checkbox"/> ندارد <input type="checkbox"/></p> <p>voice: دارد <input type="checkbox"/> ندارد <input checked="" type="checkbox"/></p> <p>power point: دارد <input type="checkbox"/> ندارد <input checked="" type="checkbox"/></p> <p>تلفن همراه مدیر گروه :</p>	
<p>دانشجوی گرامی؛</p> <p>با آرزوی تندرستی و موفقیت برای همه دانشجویان گرامی امیدوارم در ترم حاضر با تعامل درسی مناسب بتوانیم برنامه های پیش بینی شده را به کمک هم در زمان مقرر اجرایی کنیم. مطالبی که در ادامه درج شده است، محتوای پیش بینی شده برای <b>جلسه دوم</b> درس اخلاق حرفه ای می باشد. ضمن مطالعه این مطالب، هر چند در جلسات درسی توضیحات لازم ارائه خواهد شد، با اینحال چنانچه سوال یا ابهامی داشته باشید، در محیط مجازی با اینجانب در میان بگذارید تا بتوانم توضیحات لازم را ارائه کنم. امیدوارم با تلاش گروهی بتوانیم برنامه درسی را بصورت مطلوب اجرا کنیم. یاد آور می شود که سوالات امتحانی تشریحی خواهد بود.</p> <p><b>مفهوم اخلاق از دیدگاه علمای قدیم و جدید</b></p> <p>در رابطه با اینکه اخلاق چیست و هدف از آن چه می باشد؟ دیدگاههای مختلفی وجود دارد که اینک پاره ای از آنها را متذکر می شود و در پایان جمع بندی و تحلیل می گردد:</p> <p>۱- اخلاق عبارت است از رعایت حد وسط میان غرائز و عواطف .</p> <p>توضیح این که در انسان غرائز گوناگون و عواطف گاهی به صورت افراط بروز می کند و گاهی به حالت تقریب در می آید؛ مثلا غریزه شهوت گاهی به صورت افراط در می آید بطوری که فرد هوسران دچار جنون شهوت شده و به هیچ وجه اکتناع نمی گردد و گاهی هم به صورت تقریب درآمده و فرد، شهوت خود را کاملا سرکوب نموده و به شکل یک راهب مسیحی یا مرتاض هندی در می آید .</p> <p>از دیدگاه علم اخلاق هر دو مذموم بوده و در مسیر انحراف می باشد چون اخلاق ایجاب می کند که انسان گرفتار افراط در شهوت نباشد و همچنین مبتلا به تقریب نشده و این غریزه خدادادی را تصحیح ننماید بلکه فقط در حد وسط بکار اندازد. هم چنین عاطفه محبت که در برخی به صورت افراط در آمده بطوری که در راه محبت زن و یا فرزند خود افراط می نمایند و یا برخی چنان بی عاطفه و بدون احساسند که فرزندشان عواطف پدرانه را در ایشان مشاهده نمی کند .</p> <p>از دیدگاه اخلاق هر دو بعد افراط و تقریب در انحراف بوده و حد وسط عاطفه محبت ضروری و لازم است .</p> <p>ارسطو معتقد به این دیدگاه وسط بوده و همچنین علمای اخلاق اسلامی هم این دیدگاه را به عنوان «خیر الامور اوسطها» تبیین نموده اند .</p>	

قابل توجه مدرسین محترم : حداقل ۴ صفحه در هر هفته برای ارایه محتوای درس و یک صفحه برای خلاصه درس و نمونه سوالات در نظر گرفته شود.



به نظر ارسطو: <sup>۱۱</sup> برای وصول به فضیلت و کمال یک راه هست که شخص را از آفات تأخیر و انحراف باز می‌دارد و آن راه وسط و اعتدال است. برای هر خلقی می‌توان سه مرحله قائل شد که مرحله اول و آخر افراط و تفریط است و هیچ شمرده نمی‌شود و مرحله وسطی صفت فضیلت و کمال است بنا بر این میان جبن و تهور، شجاعت است و میان بخل و اسراف، اعتدال، شرافت خواهی میان پست همی و جاه طلبی است و تواضع میان تکبر و حقارت قرار دارد. حقیقت گویی میان لاف زنی و کم سخن است و خوش خلقی میان مسخرگی و ترش روتی، و میان محبت‌انگیزی و مفاخره رفتن و مجاملت است.<sup>۱۲</sup>

۲- اخلاق حیات از اصولی است که تأمین کننده قدرت باشد .

در این دیدگاه هر چیزی که ایجاد قدرت نماید پسندیده است و هر چیزی که باعث ضعف شود ناپسند و نکوهیده است. از پیشروان این دیدگاه «ابن سینا» و از مفسران مشن و تفسیری آن نیچه می‌باشد که هر دو سادی و ماتریالیست هستند. در این دیدگاه صفاتی مانند شجاعت و عظمت، گویای قدرت است و صفات دیگری هم مانند جود و کرم نشانگر قدرت می‌باشد .

۳- اخلاق حیات از اصولی است که قابل تعمیم در میان افراد باشد .

کانت فیلسوف آلمانی معتقد بود که «شخصی بایستی همیشه چنان رفتار کند که گویی راه پرورش و رفتار او یک قانون کلی و تمام می‌شود»<sup>۱۳</sup>.

۴- اخلاق حیات از اصولی است که تأمین کننده محبت باشد .

از دیدگاه آنها محور اخلاق، محبت است. یعنی هر صفت و یا کاری که ایجاد محبت کند صفت و یا عمل اخلاقی است. این موضوع در انجیل موجود به صورت یک اصل مهم اخلاقی تلقی شده و در انجیل موعود هم تأکید بر آن شده است .

۵- اخلاق حیات از اصولی است که سعادت فرد را تأمین نماید .

۶- اخلاق حیات از اصولی است که مصالح جامعه را تأمین نماید .

۷- اخلاق حیات از اصولی است که موجب کمال می‌گردد .

<sup>۱۴</sup> «ابن سینا» محمود خفاد<sup>۱۴</sup> پس از آنکه نظریات گوناگون را درباره اخلاق بیان نموده و از هر کدام انتقاد می‌کند نظریه خویش را در مورد اخلاق از دیدگاه اسلام تبیین نموده است که اینک خلاصه آنرا در چهار اصل ذیل بیان می‌نمایم :

الف - اخلاق حیات از اصولی است که موجب کمال انسان می‌شود .

ب - کامل مطلق خداوند تعالی است .

ج - کمال انسان حیات است از نزدیکی به پروردگار و تشابه با او در صفات والا .

د - کمال انسان و قرب او به خداوند وقتی میسر می‌گردد که انسان از تعالیم الهی سرمشن بگیرد .

در توضیح این مطلب باید گفت که در هستی، کمال مطلق انحصار به خداوند تعالی دارد و هر قدر انسان اخلاق و صفات خود را بیشتر شبیه پروردگار گرداند همان اندازه به کمال نزدیکتر شده است و این میسر نمی‌گردد مگر به تعالیم الهی و شناخت از ناسیه وی مطلقاً خداوند تعالی بر بنای حق و عدالت یکی را دوست می‌دارد و دیگری را دشمن. اگر انسان هم حق و بغض بر مبنای حق باشد خود را به این صفت الهی به اندازه گنجایش و ظرفیت خویش شبیه گردانیده است و همچنین خداوند طرفدار مظلوم است و مخالف مستکبر. اگر انسان هم دارای این صفت باشد به خداوند نزدیک شده و متصرف به صفت او گردیده است. البته شناخت صفات الهی حتماً باید با تعلیم و ره نمود او باشد و اگر نه ممکن است انسان دچار اشتباه و انحراف گردد .

#### تحلیل و بررسی دیدگاه‌های فوق در مورد اخلاق

با تحقیق دقیق فلسفی متوجه می‌شویم که هر یک از تعاریف فوق توجه به یک جهت داشته و نهایت به جمیع جهات و انحراف ندارد و لذا از جهش قابل پذیرش بوده و از جهت دیگر محکوم و مخطوب می‌باشد. مثلاً دیدگاه «ابن سینا» نتیجه اصولی را از اخلاق می‌داند که تأمین کننده قوه و قدرت باشد. این دیدگاه از یک جهت صحیح می‌باشد و قدرت خوب است. قدرت علمی، قدرت



تفاسی، قدرت مالی، قدرت بدنی، قدرت در حاکمیت، ولی نه به صورت مطلق و آن طوری که هابیس و نیچه می‌گویند. نیچه حمایت از مظلوم را محکوم می‌کند گر چه حق با ضعیف باشد و تقویت نیرومند را لازم می‌داند گر چه بر خلاف حق باشد، این دیدگاه خطرناک، اگر حاکم گردد اکثر سازمانهایی که مذهب طرفداری از انانیت هستد باید بر چیده شوند و فقط قدرتمندان و زورمندان بکار خویش ادامه دهند و به کام دل برسند که به عقیده قدرت گرایان در نظام طبیعت ضعیف نابود می‌گردد و باید هم پایمال شود .

ولی آنچه که در مورد قدرت معیار اخلاقی است جبارت از حق می‌باشد، اگر حق با قوی باشد محترم است و اگر حق با ضعیف هم باشد احترام دارد. در رابطه با مکتب محبت باید گفت گر چه محبت خوب است و یک اصل اخلاقی است ولی نه نسبت به هر کس و هر چیز و بطور مطلق، محبت نسبت به جایتکار خوب نیست و برآ محبت نسبت به پلنگ تیز دندان، مستکاری نسبت به گوسفندان می‌باشد. در رابطه با فرد گرایان نیز باید گفت، سعادت و کمال فرد، مورد نظر اخلاقی است نه در هنگامی که اصطکاک و برخورد با سعادت جامعه داشته باشد .

در مورد جامعه‌گرایان باید گفت، سعادت جامعه از نظر اخلاقی مهم است نه اینکه افراد به صورت جبهه‌هایی بی جان تصور شوند و مانند بیج و مهره‌های چرخهای یک کارخانه به نظر آیند .

انتقاد در مورد قانون وسط (دیدگاه ارسطو) انتقاد کرده‌اند که اولاً ارزشهای اخلاقی حد وسط بین افراط و تفریط نیستند مثلاً «گرم» حد وسط بین یخزل و اسراف نیست، و در نانی دیدگاه وسط در برخی از امور صادق نمی‌باشد .

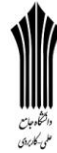
همان طوری که در ریاضی نمی‌توان گفت، حد وسط مطلوب است و دو طرفه آن ریاضی فوق‌العاده و رشتی مطلوب نیست، همچنین در مورد کمال هم نمی‌توان گفت، حد وسط مطلوب است، بلکه ریاضی هر چه بیشتر باشد مطلوب‌تر است و نیز در اخلاق محبت نسبت به پروردگار هر چه زیادتر باشد بهتر است، دیگر حد وسط ندارد. پای بند بودن به حق هر چه زیادتر باشد پسندیده‌تر است و باز حد وسط ندارد .

اصلی وسط در صورتی اخلاقی است که بر محور عدالت باشد و قدرت و محبت هنگامی اخلاقی می‌باشد که بر پایه عدالت باشند رشد فرد و سعادت جامعه و کمال انسانی تنها در پرتو عدالت امکان پذیر است و تنها اصلی که می‌تواند کلیت دانسته باشد جبارت از عدالت است و بالآخره تخلق محدود انسان به اخلاقی نامحدود الهی در هنگامی میسر است که مصلحتش بر بنای عدالت باشد.

فلسفه بزرگ اخلاقی، مضمومها طرفداران سعادت فردی و اجتماعی، که دارای عقائد و اخلاق خاص انسانی می‌باشند چنین می‌گویند:

### نظریه صفراط

انسان جویای خوشی و سعادت است و جزاین تکلیفی ندارد اما خوشی به استیفای لذات و شهوات به دست نمی‌آید، بلکه بوسیله جلوگیری از خواهشهای نفسانی، بهتر میسر می‌گردد. و سعادت افراد در ضمن سعادت جماعت است، بنابراین، سعادت هر کس در این است، که وظائف خود را نسبت به دیگران بهتر انجام دهد. بنابراین دانش بشر، باید او را به سوی سعادت سوق دهد، نه اینکه هر چه بیشتر و زیادتر به فساد آلوده اش نماید .



## نظریه اخلاقی ارسطو

ارسطو می‌گوید: عمل انسان را خایس است، و خایس مطلوب انسان سزایی دارند آنچه خایس کل و مطلوب مطلق است، سعادت و خوشی است، اما مردم خوشی را در امور مختلف می‌انگازند، بعضی به لذات و تفریح، برخی به مال و جماعتی به جاه، مگر آنکه همواره وظیفه ای را که برای او مقرر است، به بهترین وجه اجرا کند و انجام وظیفه به بهترین وجه، برای هر وجودی، فضیلت او است. پس خایس مطلوب انسان، بخش خوشی و سعادت، یا فضیلت حاصل می‌شود.

ارسطو می‌گوید: فضیلت نفسانی با اخلاقی باید کسب شود و به تدریج حاصل می‌شود، و عمل به آن شاق و دشوار نیست، بلکه از روی رغبت و لذت و علم و اختیار واقع شود. و هر گاه این شرایط فراهم آید فضیلت حاصل خواهد بود.

### دکارت در اخلاقی می‌گوید:

اگر چه هر فردی از ما از افراد دیگر جداست، ولیکن چون تنها نفس توأمیم نیستیم، ناچار باید منافع خود را تابع منافع حقیقی جماعتی، که جزء آنها هستیم بنماییم و اگر کسی این حس را داشته باشد که صلاح کل، مقدم بر صلاح جزء است، مکارم و آلاء او ظهور خواهد کرد، و حتی برای خدمت به دیگران جان خود را به خطر خواهد انداخت. خلاصه، آن که عمل انسان همواره باید موافق عقل باشد و اگر چنین شود البته سعادت و خوشبختی خاطر - که مراد و منظور از علم اخلاقی همان است - حاصل خواهد گردید. بعضی از فلاسفه، طرفدار نیرومندی و هوایرشی و ضعیف کنشی می‌باشند و اخلاقی انسانی را سدی بزرگ در سر راه لذات حیوانی و نفسانی می‌دانند.

## نظریه فلسفی و اخلاقی نیچه

او می‌گوید: خود را باید خواست، و خود را باید پرستید، و ضعیف و ناتوان را باید رها کرد تا از میان بیرون رود و درد و ونج کاسته شود و ناتوان بر دوش توانا باز نیفتد، و سنگ راهش نشود. نیچه می‌گوید: مرد برتر آن است که نیرومند باشد، به نیرومندی زندگی کند و هوا و تمایلات خوشی را برآورد سازد، خوش باشد و خود را خواجه و خداوند بداند و هر ساعتی که برای خواجگی، در پیش بیاید، از میان بردارد، از خطر نهراسد و از جنگ و جدال ترسد.

کاملاً اخلاقی ضد اسلامی و انسانی است که نیچه از اخلاقی این چنین تعریف می‌نماید. اما اسلام دین برتر و آخرین ادیان الهی و آسمانی است. مسئله اخلاقی را از مسائل بنیادی معرفی کرده، و تخلق به اخلاقی حمیده را بزرگترین حاصل رستگاری و راه وصول به سعادت و خوشبختی معرفی کرده است، و فساد اخلاقی و سیئات نفسانی را مشاء بدبختی می‌داند. قرآن می‌گوید: قد افلح من زکىها و قد خاب من دها. خداوند متعال در سوره مبارکه شمس پس از بازده بار سوگند پس در پس می‌گوید: (هر کس در تزکیه نفس خود بکوشد، و ضمیر خوشی را از افکار بد و اخلاقی ناپسند منزله سازد رستگار و سعادتمند است، و آنکس که اندیشه های پلید و اخلاقی ناپاک و ناپسند را از جمله دل و خاطر نزداید و دل را به راه فساد و گمراهی سوق دهد بدبخت و رستگار خواهد بود.)

## اخلاقی از دیدگاه صلوات

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرماید: *الزم العلم لك ما دلك على صلاح قلبك و اظهار لك فساد.* ضروری ترین دانش برای تو آن است که غیر و صلاح قلبت را به تو ارائه کند، و با فساد و رشتنی آن را بر تو آشکار نماید. پیامبران الهی برای آن که مردم را اصلاح کنند و با اخلاقی انسانی، آنان را تربیت نمایند، بیان و اساس مکارم اخلاقی را در جهان پس ریزی کردند، و سجایای اخلاقی و انسانی را بیان نهادند، و کرامت نفس انسانی را به پیروان خود آموختند، و از فساد و فحشاء ایشان را بر حذر داشتند.

قابل توجه مدرسین محترم: حداقل ۴ صفحه در هر هفته برای ارایه محتوای درس و یک صفحه برای خلاصه درس و نمونه سوالات در نظر گرفته شود.



در نظام اخلاقی دینی ملاک نهایی اخلاق، خدا و تقرب به او و رضایت اوست. تمام ادیان آسمانی خداوند را ملاک نهایی اخلاق دانسته‌اند. خدا ریای محض است و معایبش ریایی و خیر مطلق است و آفریننده هر امر خیر. با خدا می‌توان تکالیف انسان را مضاعف کرد. چون خدا مطلق و نامشروط است. محتاج ملاک دیگری برای ارزش یافتن نیستیم. پس شاخص خوب، رفتار نزدیک کننده به خدا و شاخص بد، رفتار دورکننده از خداست. در نظام اخلاقی دینی، رضایت خدا همه ملاک‌های عدالت و آزادی و رساندن بیشترین سود را در برمی‌گیرد. رضایت و عدم رضایت خدا هر دو بعد نیات و عقاید (حسن فاعلی) و آثار و نتایج (حسن فعلی) را فرا می‌گیرد و جلایه بر تعریف یابندها، به آنها قداست هم می‌بخشد. قلبی بودن ارزش‌ها تئوسن اخلاق است.